



Iran - China

Chamber of Commerce and Industries

اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین

بولتن خبری روزانه

۲۵ آذر ۱۴۰۴

اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین



بولتن خبری روزانه اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین

مورخ ۲۵ آذر ۱۴۰۴

فهرست

- ۱- گروه‌های خاص همواره دکمه گران‌سازی همه چیز را می‌زنند
- ۲- اقتصاددان‌ها علت اصلی نوسانات اخیر دلار را تشریح کردند
- ۳- دستیار رهبری انقلاب: بسته‌های اقتصادی میان ایران و چین زودتر اجرا شوند
- ۴- اقتصاد چین در ۲۰۲۶: ثبات، کیفیت و گسترش فرصت‌های همکاری
- ۵- رشد پایدار صنعت ماشین‌آلات چین طی چهاردهمین برنامه پنج‌ساله
- ۶- انتشار طرح تقویت توسعه باکیفیت برون‌سپاری خدمات توسط چین

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین:

گروه‌های خاص همواره دکمه گران‌سازی همه چیز را می‌زنند



رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین گفت: اقتصاد کشور، گرفتار تصمیم‌گیری‌های بسته از سوی گروه‌های خاصی شده که با فشار بر دکمه گران‌سازی، همه چیز را گران می‌کنند و اسم آن را «اقتصاد بازار» می‌گذارند.

مجیدرضا حریری در گفت‌وگو با ایسنا، درباره دلایل روند افزایشی روزهای اخیر در بازار ارز تصریح کرد: پرسش اساسی این است که آیا تحریم و تنش‌ها به تنهایی می‌توانند چنین ضربه‌ای به اقتصاد کشور وارد کنند؟ به نظر من، پاسخ منفی است. اگر ما می‌توانستیم با روشی متعادل‌تر یا دست کم پایدارتر عمل کنیم و تکلیف خود را مشخص می‌کردیم که چه الگوی اقتصادی را به عنوان سرمشق پذیرفته‌ایم شرایط متفاوت می‌شد.

او افزود: اینکه اقتصاد ما قرار است مبتنی بر روابط بازار باشد یا یک اقتصاد متمرکز و دولتی؛ که قاعداً در شرایط جنگی، در همه جای دنیا اقتصادها به سمت تمرکز و مداخله بیشتر دولت حرکت می‌کنند اما هیچ یک از این مسیرها را به درستی انتخاب نکردیم. رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین تصریح کرد: در نتیجه، اقتصاد کشور گرفتار تصمیم‌گیری‌های محدود و بسته از سوی گروه‌های خاصی شده است؛ تیم‌هایی مشخص که هر زمان به اهرم‌های کلیدی تصمیم‌گیری دست پیدا می‌کنند؛ با فشار بر دکمه گران‌سازی، همه چیز را گران می‌کنند و اسم آن را «اقتصاد بازار» می‌گذارند.

حریری افزود: در حالی که واقعاً مشخص نیست این چه نوع بازاری است که امروز شاهد آن هستیم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که در دو دهه اخیر که دچار کمبود منابع بوده‌ایم همواره در پایان سال میلادی و به‌ویژه در ماه دسامبر (آذر)، با کمبود منابع ارزی مواجه بوده‌ایم.

او ادامه داد: این موضوع سابقه تاریخی دارد. زمانی که دلار یک‌هزار یا ۱۲۰۰ تومان بود، در این مقاطع به ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ تومان می‌رسید؛ یا زمانی که ۳۵۰۰ تومان بود تا حدود ۳۹۰۰ تومان افزایش می‌یافت اما امروز مسئله این است که ارزش ریال آن‌قدر کاهش یافته که نوسانات یک تا دو درصدی، به افزایش چندین تومانی نرخ ارز منجر می‌شود.

عامل کسری بودجه را همه می‌دانند

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین به موضوع کسری بودجه دولت هم اشاره کرد و آن را عامل مؤثری در وضعیت فعلی ارز دانست و گفت: همه می‌دانند که این کسری چگونه جبران می‌شود؛ حتی همان‌هایی که مدعی‌اند چنین چیزی ممکن نیست.

حریری ادامه داد: در اقتصادی که حدود ۹۰ درصد ارز در اختیار دولت و حاکمیت است- چه از محل فروش نفت و چه صادرات غیرنفتی شرکت‌های حاکمیتی مانند پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و معادن بزرگ- امکان مدیریت وجود دارد. این شرکت‌ها عمدتاً وابسته به نهادهای حاکمیتی، صندوق‌های بازنشستگی، بنیادها و ستادها هستند. بنابراین، این روایت که «نمی‌شود»، بیشتر به یک داستان تاریخی تبدیل شده که سال‌هاست تکرار می‌شود.

او افزود: نکته جدیدی که به این چرخه اضافه شده این است که برخی تصمیم‌گیران تلاش می‌کنند با دستکاری زمان‌بندی سیاست‌ها، اثرات تورمی تصمیمات خود را کمرنگ جلوه دهند؛ برای مثال، قیمت بنزین را افزایش می‌دهند و همزمان نرخ ارز را به سطوحی مانند ۱۲۵ یا ۱۳۰ هزار تومان می‌رسانند. سپس مدعی می‌شوند که افزایش قیمت بنزین تنها چند درصد اثر تورمی داشته است. در حالی که فراموش می‌کنند از اردیبهشت ماه، زمانی که اعمال این سیاست‌ها تقریباً قطعی شده بود، نرخ دلار حدود ۸۲ هزار تومان بوده و به تدریج و به صورت هدفمند تا سطوح فعلی افزایش یافته است.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین تصریح کرد: در واقع، دو سیاست به طور هم‌زمان اجرا شده است؛ از یک سو افزایش قیمت بنزین که به طور مستقیم تورم در بخش حمل‌ونقل ایجاد می‌کند- چرا که در واقع قیمت بنزین دو برابر شده- و از سوی دیگر، حذف یا محدودسازی ارز ترجیحی، آن هم به شکلی که در ظاهر اعلام می‌شود حذف شده اما در عمل به صورت پنهان توزیع می‌شود. حریری افزود: این مجموعه سیاست‌ها حاصل تفکری مشخص است که توسط افراد معینی در حال اجراست؛ تفکری که مبتنی به قول خودشان تک‌نرخ کردن ارز و گران‌سازی اقلام و نهاده‌ها از جمله سوخت و سایر حامل‌های انرژی است و به نظر می‌رسد قرار است اتفاق بیفتد.

او ادامه داد: هدف آن‌ها این است که بگویند اثر تورمی این تصمیمات محدود و مثلاً چهار یا پنج درصد است؛ در حالی که به باور من، این سیاست‌ها به تنهایی بیش از ۳۵ درصد تورم ایجاد می‌کنند؛ آن هم علاوه بر تورم ساختاری ۳۰ تا ۴۰ درصدی موجود در اقتصاد.

عوامل کمبود مصنوعی ارز

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین یادآور شد: از اردیبهشت ماه که دلار ۸۲ هزار تومان بود تا امروز، نرخ دلار حدود ۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. این افزایش ارتباط مستقیمی با جنگ یا حملات اسرائیل ندارد. حتی اگر آن اتفاقات هم مثل جنگ رخ نمی‌داد، همین مسیر طی می‌شد؛ چرا که این افزایش مبتنی بر یک سیاست تعریف شده است.

حریری افزود: زمانی مشاهده می‌کنید که به‌صورت سیستماتیک در حال ایجاد کمبود مصنوعی ارز هستند؛ از جمله با تأخیر ۱۸۰ روزه در تخصیص ارز به واردکنندگان مشخص می‌شود. بارها شنیده‌ایم که مسئولان اعلام کرده‌اند پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها با بانک مرکزی همکاری می‌کنند اما هم‌زمان شاهد مذاکره و «توافق» با همین شرکت‌ها برای عرضه ارز هستیم. او تصریح کرد: اینکه دولت مجبور باشد با مدیران شرکت‌های وابسته به خود برای بازگرداندن ارز مذاکره کند نشان‌دهنده واگذاری قدرت به الیگارش‌های اقتصادی است؛ به مفهوم مطلق، چه آن الیگارش‌هایی که در حاکمیت شکل گرفته‌اند و چه آن‌هایی که دولت و وزیر می‌سازند.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین با تأکید بر اینکه امروز تسلط الیگارش بر اقتصاد کشور حتی به صورت علنی دیده می‌شود، گفت: افرادی با سابقه فساد یا بدنامی، در رسانه‌ها ظاهر می‌شوند و برای بانک مرکزی یا وزرا خط و نشان می‌کشند؛ امری که پیش‌تر پنهان بود. در کنار این‌ها، عده‌ای تئوریسین نیز به خدمت این الیگارش‌ها درآمده‌اند تا اقدامات آن‌ها را در رسانه‌ها توجیه کنند. حریری افزود: من نقل قول می‌کنم از آقای راغفر و ایشان گفتند در جلسه‌ای که خدمت رئیس‌جمهور رسیدیم به ایشان گفتیم از

بعضی از این افراد پرهیز کنید. در همین فضا، شاهد برگزاری جلسات منظم چند ساعته و هر دو هفته در میان برخی از این اقتصاددانان با رئیس‌جمهور هستیم اما پس از همان جلسات، نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور می‌نویسند با امضای «۱۸۰ اقتصاددان»؛ در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد اندکی از امضاکنندگان واقعاً اقتصاددان هستند و بیشتر جامعه‌شناس و علوم سیاسی خوانده هستند.

او ادامه داد: نامه سرگشاده را کسانی باید بدهند که به رئیس‌جمهور دسترسی ندارند. این نامه‌ها مخاطب‌شان رئیس‌جمهور نیست، چون این‌ها دسترسی مستقیم به رئیس‌جمهور دارند؛ مخاطب‌شان جای دیگری است.

ضرورت توجه به عامل روانی

گفتنی است، برخی کارشناسان معتقدند درصد بسیار بالایی از نرخ ارز، به دلیل تقاضاهای روانی ناشی از سیاستگذاری‌های دولت یا ساخته برخی رسانه‌ها و فضای مجازی وابسته به الیگارش‌ها و با اهداف سیاسی است و انگیزه‌های درآمدزایی دولت، به آن اضافه می‌شود.

بر اساس تصویب‌نامه هیئت وزیران در تاریخ یکم آذرماه امسال، واردات برخی کالاهای اساسی شامل برنج، روغن نباتی، حبوبات، گوشت قرمز، جو، ذرت و کنجاله به صورت انتقال بدون ارز از طریق استان‌های مرزی مجاز شد.

همین مصوبه کافی بود تا قیمت ارز، قبل از اجرای مصوبه، افسار پاره کند. این واردات با ثبت سفارش یا ثبت آماری و با اخذ مجوزهای قانونی از جمله بهداشت، قرنطینه و استاندارد و بدون معرفی عامل و منشاء واردات امکان‌پذیر است.

به گفته برخی فعالان اقتصادی، در حال حاضر بیشتر نیاز واردات کشور از راه تهاتر یا مبادلات پایاپای صورت می‌گیرد. فقط واردات مواد غذایی و دارویی که نیاز ضروری است محتاج ارز است؛ بنابراین، تقاضای واقعی و ضروری ارز، بسیار کمتر از آن است که اعلام می‌شود.

مطابق با آمارهای گمرکی کشور طی سه سال گذشته، میانگین تجارت گمرکی ایران با کشورها ۱۲۰ میلیارد دلار بوده که از این

میزان، سهم صادرات ۵۴ میلیارد و واردات

۶۶ میلیارد دلار بوده است. در این میان، مجموع ظرفیت پایاپای‌سازی دوجانبه و جوه تجاری ایران با کلیه کشورها حدود ۷۱ میلیارد دلار (معادل ۶۰ درصد پایاپای‌سازی) است که رقم قابل توجهی محسوب می‌شود و چندجانبه شدن تجارت نیز، آن را افزایش می‌دهد. برخی، وجود سرمایه‌های طالب حفظ ارزش پول را عامل اصلی افزایش نرخ ارز می‌دانند اما با توجه به سودآورتر بودن طلا، دلیلی ندارد که به سمت ارز بیاید. ضمن اینکه چند مرحله حراج سکه و بی‌تقاضا ماندن بخشی از آن نشان داد که تقاضاهای ادعایی از سوی برخی رسانه‌ها و باصطلاح اقتصاددانان، واقعی نبود.

تجربه نشان می‌دهد؛ قیمت‌ها و تقاضاهای روانی در بازارهای دیگر، با تزریق اندکی کالا می‌شکند اما اینکه در بازار ارز به عنوان لوکوموتیو نرخ تورم، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ نشان می‌دهد که اراده‌های غیراقتصادی سطح بالایی در پشت قیمت ارز وجود دارد و نیازمند برخورد نهادهای نظارتی، امنیتی و قضائی است.

کیهان



بازار ارز در روزها و هفته‌های اخیر نوسانات زیادی داشته و رکوردهای جدیدی را در قیمت‌ها به ثبت رسانده است. در خصوص دلایل و ریشه‌های این روند نظریه‌ها و مبنای مختلفی از منظر اقتصادی و غیر اقتصادی مطرح می‌شود. آنچه که اقتصاددان‌ها بر آن باور دارند این است که مسیر کنونی تورم و رشد نقدینگی اثر خود را بر رشد قیمت دلار و سایر ارزها نیز گذاشته و ارز در حال جبران عقب ماندگی خود از تورم است.

به گزارش ایسنا، با این وجود برخی دیگر معتقدند که افزایش نرخ ارز در ایران تنها با دلایل علمی قابل توضیح نیست و برخی گروه‌ها در پشت صحنه این افزایش قیمت‌ها قرار دارند. در این خصوص خبرنگار ایسنا با فعالان اقتصادی بخش خصوصی و اعضای اتاق بازرگانی از دو منظر متفاوت به بررسی دلایل افزایش نرخ ارز در این روزها پرداخته است که در ادامه می‌خوانید .

ریشه افزایش نرخ ارز، رشد افسارگسیخته نقدینگی است

محمدرضا نجفی منش - عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران - در گفت‌وگو با ایسنا، با تاکید بر اینکه افزایش نرخ ارز نتیجه دخالت‌های نادرست اقتصادی و رشد بی‌ضابطه نقدینگی است، گفت: تا زمانی که حجم نقدینگی بدون افزایش متناسب با تولید و کالا بالا می‌رود، افزایش قیمت‌ها در همه بازارها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

وی با اشاره به دلایل اصلی افزایش نرخ ارز اظهار کرد: اگر بخواهیم ریشه واقعی افزایش نرخ‌ها را بررسی کنیم، باید به سیاست‌های اقتصادی و به‌ویژه رشد شدید نقدینگی در کشور توجه کنیم. افزایش نقدینگی به صورت مستقیم باعث افزایش قیمت همه کالاها، از جمله ارز، می‌شود.

نجفی منشی ادامه داد: وقتی حجم نقدینگی افزایش پیدا می‌کند اما میزان تولید و حجم کالا در اقتصاد بالا نمی‌رود، نتیجه‌ای جز افزایش قیمت‌ها ندارد. این یک قاعده شناخته شده اقتصادی است که بیش از یک قرن پیش مطرح شده؛ اگر نقدینگی بالا برود و عرضه کالا افزایش نیابد، قیمت‌ها به طور طبیعی افزایش پیدا می‌کنند.

این عضو هیأت نمایندگان اتاق تهران با تأکید بر فراگیر بودن اثر نقدینگی گفت: فرقی نمی‌کند چه بازاری را بررسی کنیم؛ مسکن، ارز، مواد غذایی مانند برنج و نان یا حتی کالاهای مصرفی روزمره، همه تقریباً با همین نسبت دچار نوسان شده‌اند. دولت در سال‌های گذشته تلاش می‌کرد برخی قیمت‌ها را به‌صورت مصنوعی پایین نگه دارد، اما اکنون دیگر امکان ادامه این سیاست وجود ندارد.

وی افزود: در چنین شرایطی، فعالان اقتصادی و صادرکنندگان با این پرسش مواجه می‌شوند که چرا باید کالای خود را در داخل با نرخ پایین‌تر بفروشند، در حالی که امکان فروش با قیمت بالاتر وجود دارد. همین موضوع باعث شد سیاست‌های کنترلی به تدریج بی‌اثر شود و اکنون شاهد نرخ‌های بالا هستیم.

نجفی‌منشی در پاسخ به این دیدگاه که برخی بخش خصوصی را متهم به تمایل به افزایش نرخ ارز می‌کنند، تصریح کرد: این برداشت کاملاً اشتباه است. خواسته ما این است که ریشه مشکل اصلاح شود. تا زمانی که نقدینگی بدون کنترل افزایش پیدا می‌کند، آثار آن ناخواسته بر همه بازارها نمایان می‌شود؛ چه آن را دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم.

او ادامه داد: افزایش نرخ دلار در بازار، به طور مستقیم بر قیمت کالاهایی که به ارز وابستگی دارند اثر می‌گذارد. مواد اولیه داخلی مانند فولاد، آلومینیوم، مس و محصولات پتروشیمی، طبق قوانین موجود، متأثر از قیمت ارز افزایش قیمت پیدا می‌کنند. از آنجا که مدیریت دقیقی بر این روند وجود ندارد، حتی قیمت‌های جهانی نیز در نهایت با نرخ‌های بالاتر به بازار داخلی منتقل می‌شوند.

عضو هیأت نمایندگان اتاق تهران با طرح یک پرسش اساسی گفت: سؤال اصلی این است که چرا حجم نقدینگی مدام افزایش پیدا می‌کند؟ پاسخ این سؤال به دولت و مجلس بازمی‌گردد؛ جایی که بودجه کشور تنظیم می‌شود. وقتی هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کند اما درآمد کافی وجود ندارد، دولت ناچار می‌شود به روش‌هایی مانند استقراض و افزایش پایه پولی متوسل شود.

نجفی‌منشی خاطرنشان کرد: فشار دولت بر بانک مرکزی در نهایت منجر به افزایش حجم نقدینگی می‌شود و این روند به صورت زنجیره‌ای بر کل اقتصاد اثر می‌گذارد. تا زمانی که این چرخه اصلاح نشود، نباید انتظار ثبات پایدار در بازار ارز و کالاها را داشت.

چه کسانی پشت صحنه افزایش نرخ ارز هستند؟

در همین زمینه مجیدرضا حریری، عضو اتاق بازرگانی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره دلایل روند افزایشی روزهای اخیر در بازار ارز گفت: در وهله نخست باید گفت که قیمت ارز در کشور ما بیش از هر چیز تابع سیاست خارجی و تحولات مرتبط با آن است؛ از جمله تحریم‌ها، تنش‌ها، جنگ و درگیری. این عوامل در هر جای دنیا می‌توانند بر ارزش پول ملی اثرگذار باشند. اگر به دنبال ریشه اصلی نوسانات ارزی هستیم، باید بپذیریم که کشور ما در دو دهه گذشته به طور مستمر درگیر منازعه، تحریم و تنش بوده است.

او افزود: اما پرسش اساسی این است که آیا همه این عوامل به تنهایی می‌توانند چنین ضربه‌ای به اقتصاد کشور وارد کنند؟ به نظر من، پاسخ منفی است. اگر ما می‌توانستیم با روشی متعادل‌تر یا دست کم پایدارتر عمل کنیم و تکلیف خود را مشخص می‌کردیم که چه الگوی اقتصادی را به عنوان سرمشق پذیرفته‌ایم، شرایط متفاوت می‌شد. اینکه اقتصاد ما قرار است مبتنی بر روابط بازار باشد یا یک اقتصاد متمرکز و دولتی؛ که قاعداً در شرایط جنگی، در همه جای دنیا اقتصادها به سمت تمرکز و مداخله بیشتر دولت حرکت می‌کنند اما ما هیچ یک از این مسیرها را به درستی انتخاب نکردیم.

حریری تصریح کرد: در نتیجه، اقتصاد کشور گرفتار تصمیم‌گیری‌های محدود و بسته از سوی گروه‌های خاصی شده است؛ تیم‌هایی مشخص که هر زمان به اهرم‌های کلیدی تصمیم‌گیری دست پیدا می‌کنند، با فشار بر دکمه گران‌سازی، همه چیز را گران می‌کنند و اسم آن را «اقتصاد بازار» می‌گذارند. در حالی که واقعاً مشخص نیست این چه نوع بازاری است که امروز شاهد آن هستیم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که در دو دهه اخیر که دچار کمبود منابع بوده‌ایم، همواره در پایان سال میلادی و به‌ویژه

در ماه دسامبر، با کمبود منابع ارزی مواجه بوده‌ایم، موضوع سابقه تاریخی دارد. زمانی که دلار ۱۰۰۰ یا ۱۲۰۰ تومان بود، در این مقاطع به ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ تومان می‌رسید؛ یا زمانی که ۳۵۰۰ تومان بود، تا حدود ۳۹۰۰ تومان افزایش می‌یافت. اما امروز مسئله این است که ارزش ریال آن قدر کاهش یافته که نوسانات یک تا دو درصدی، به افزایش چندین تومانی نرخ ارز منجر می‌شود.

این عضو اتاق بازرگانی به موضوع کسری بودجه دولت هم اشاره کرد و آن را عامل موثری در وضعیت فعلی ارز دانست و گفت: همه می‌دانند که این کسری چگونه جبران می‌شود، حتی همان‌هایی که مدعی‌اند چنین چیزی ممکن نیست. در اقتصادی که حدود ۹۰ درصد ارز در اختیار دولت و حاکمیت است - چه از محل فروش نفت و چه صادرات غیرنفتی شرکت‌های حاکمیتی مانند پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و معادن بزرگ - امکان مدیریت وجود دارد. این شرکت‌ها عمدتاً وابسته به نهادهای حاکمیتی، صندوق‌های بازنشستگی، بنیادها و ستادها هستند. بنابراین، این روایت که «نمی‌شود»، بیشتر به یک داستان تاریخی تبدیل شده که سال‌هاست تکرار می‌شود.

حریری ادامه داد: نکته جدیدی که به این چرخه اضافه شده این است که برخی تصمیم‌گیران تلاش می‌کنند با دستکاری زمان‌بندی سیاست‌ها، اثرات تورمی تصمیمات خود را کمرنگ جلوه دهند. برای مثال، قیمت بنزین را افزایش می‌دهند و هم‌زمان نرخ ارز را به سطوحی مانند ۱۲۵ یا ۱۳۰ هزار تومان می‌رسانند، سپس مدعی می‌شوند که افزایش قیمت بنزین تنها چند درصد اثر تورمی داشته است. در حالی که فراموش می‌کنند از اردیبهشت ماه، زمانی که اعمال این سیاست‌ها تقریباً قطعی شده بود، نرخ دلار حدود ۸۲ هزار تومان بوده و به تدریج و به صورت هدفمند تا سطوح فعلی افزایش یافته است.

او تصریح کرد: در واقع، دو سیاست به طور هم زمان اجرا شده است؛ از یک سو افزایش قیمت بنزین که به طور مستقیم تورم در بخش حمل‌ونقل ایجاد می‌کند - چرا که در واقع قیمت بنزین دو برابر شده و از سوی دیگر، حذف یا محدودسازی ارز ترجیحی، آن هم به شکلی که در ظاهر اعلام می‌شود حذف شده، اما در عمل به صورت پنهان توزیع می‌شود. این مجموعه سیاست‌ها حاصل تفکری مشخص است که توسط افراد معینی در حال اجراست؛ تفکری که مبتنی به قول خودشان تک نرخی کردن ارز و گران‌سازی اقلام و نهاده‌ها از جمله سوخت و سایر حامل‌های انرژی است و به نظر می‌رسد قرار است اتفاق بیفتد. هدف آن‌ها این است که بگویند اثر تورمی این تصمیمات محدود و مثلاً ۴ یا ۵ درصد است، در حالی که به باور من، این سیاست‌ها به تنهایی بیش از ۳۵ درصد تورم ایجاد می‌کنند، آن هم علاوه بر تورم ساختاری ۳۰ تا ۴۰ درصدی موجود در اقتصاد.

عضو اتاق بازرگانی یادآور شد: از اردیبهشت ماه که دلار ۸۲ هزار تومان بود تا امروز، نرخ دلار حدود ۶۰ هزار تومان افزایش یافته است. این افزایش ارتباط مستقیمی با جنگ یا حملات اسرائیل ندارد. حتی اگر آن اتفاقات هم مثل جنگ رخ نمی‌داد، همین مسیر طی می‌شد؛ چرا که این افزایش مبتنی بر یک سیاست تعریف شده است. زمانی که مشاهده می‌کنید کمبود مصنوعی ارز به صورت سیستماتیک در حال ایجاد آن هستند از جمله با تأخیر ۱۸۰ روزه در تخصیص ارز به واردکنندگان مشخص است. بارها شنیده‌ایم که مسئولان اعلام کرده‌اند پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها با بانک مرکزی همکاری می‌کنند، اما هم‌زمان شاهد مذاکره و «توافق» با همین شرکت‌ها برای عرضه ارز هستیم. اینکه دولت مجبور باشد با مدیران شرکت‌های وابسته به خود برای بازگرداندن ارز مذاکره کند، نشان‌دهنده واگذاری قدرت به الیگارش‌های اقتصادی است؛ به مفهوم مطلق، چه آن الیگارشی‌هایی که در حاکمیت شکل گرفته‌اند و چه آن‌هایی که دولت و وزیر می‌سازند.

حریری با تأکید بر اینکه امروز تسلط الیگارشی بر اقتصاد کشور حتی به صورت علنی دیده می‌شود گفت: افرادی با سابقه فساد یا بدنامی، در رسانه‌ها ظاهر می‌شوند و به بانک مرکزی یا وزرا خط و نشان می‌کشند و یا مثلاً می‌گویند وزیر کشاورزی را چند روزه بر کنار می‌کنند امری که پیش‌تر پنهان بود. در کنار این‌ها، عده‌ای تئورسین نیز به خدمت این الیگارشی‌ها درآمده‌اند تا اقدامات آن‌ها را در رسانه‌ها توجیه کنند. من نقل قول می‌کنم از آقای راغفر و ایشان گفتند در جلسه‌ای که خدمت رئیس‌جمهور رسیدیم به

ایشان گفتیم از بعضی از این افراد پرهیز کنید، در همین فضا، شاهد برگزاری جلسات منظم چند ساعته هر دو هفته میان برخی از این اقتصاددانان با رئیس‌جمهور هستیم. اما پس از همان جلسات، نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور می‌نویسند با امضای «۱۸۰ اقتصاددان»؛ در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد اندکی از امضاکنندگان واقعاً اقتصاددان هستند و بیشتر جامعه‌شناس و علوم سیاسی خوانده هستند. نامه سرگشاده را کسی باید بدهد که به رئیس‌جمهور دسترسی ندارند. این نامه‌ها مخاطب‌شان رئیس‌جمهور نیست، چون این‌ها دسترسی مستقیم به رئیس‌جمهور دارند؛ مخاطب‌شان جای دیگری است.

ایسنا

دستیار رهبری انقلاب: بسته‌های اقتصادی میان ایران و چین زودتر اجرا شوند



مشاور و دستیار رهبری انقلاب، روابط ایران و چین را استراتژیک دانست و گفت: این روابط راهبردی نیازمند تعمیق همکاری‌ها در تمامی ابعاد است و باید دو بسته اقتصادی امضاشده بین دو طرف، هرچه سریع‌تر عملیاتی شود.

به گزارش ایسنا، محمد مخبر در دیدار جمعی از مدیران اندیشکده و پژوهشکده‌های روابط بین‌الملل چین با اشاره به نقش اندیشکده‌های دو کشور در معرفی ظرفیت‌ها و ارتقای سطح تعاملات به تمامی ابعاد، گفت: روابط استراتژیک ایران و چین به‌عنوان دو شریک راهبردی بیش از نیم‌قرن قدمت دارد. باتوجه به تحولات امروز جهان این روابط دیرینه، ظرفیت‌های گسترده‌تری برای توسعه همکاری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و فناوری بین دو کشور می‌طلبد که نقش اندیشکده‌های دو کشور را در شناخت موانع تعمیق روابط و همچنین معرفی دقیق ظرفیت‌ها پررنگ‌تر می‌کند. روابط راهبردی ایران و چین نیازمند تعمیق همکاری‌ها در تمامی ابعاد است.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نقش اندیشکده‌های دو کشور را در شناسایی موانع ارتباطی مهم دانست و تصریح کرد: اندیشکده‌های روابط بین‌الملل ایران و چین باید به‌طور متقابل وظیفه خود را در معرفی ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و شناخت بهتر مردم دو کشور ایفا کنند.

وی افزود: در این میان رفت‌وآمد پژوهشگران نباید صرفاً به همایش‌ها و رویدادهای سالانه محدود شود؛ بلکه باید به‌صورت مستمر و پیوسته ادامه یابد تا این تداوم ارتباط به شناخت بیشتر مردمان دو کشور از یکدیگر منجر شود.

دستیار رهبری انقلاب ظرفیت‌های متقابل دو پایتخت را از مولفه‌های اقتدار دو کشور برشمرد و گفت: در همه ارکان جمهوری اسلامی نسبت به روابط با چین حساسیت و توجه ویژه‌ای وجود دارد و تاکنون تفاهم‌نامه‌های مهم و استراتژیک اقتصادی بین دو کشور منعقد شده است. در این میان امیدواریم دو بسته اقتصادی که چندی قبل میان دو کشور امضا شده است، هرچه سریع‌تر عملیاتی شود.

مخبر با اشاره به وجه مشترک ایران و چین در مقابله با یکجانبه‌گرایی غرب و تحریم‌ها علیه ایران، ادامه داد: راهبرد تعامل با چین راهبرد قطعی نظام است. ما از توسعه همه‌جانبه روابط با پکن استقبال می‌کنیم و برگزاری نشست‌های مشترک میان اندیشکده‌های دو کشور را گامی بلند در عملیاتی‌شدن واقعی راه‌های تعمیق روابط اقتصادی، سیاسی و سایر مولفه‌های حکمرانی می‌دانیم.

دستیار رهبری با اشاره به فراهم‌بودن بستر سرمایه‌گذاری برای طرف چینی در ایران، افزود: پروژه‌هایی در کشورمان وجود دارد که در کمتر کشوری مشابه آن یافت می‌شود. در حوزه نفت، گاز و معدن بالاترین ظرفیت همکاری میان دو کشور قابل تصور است.

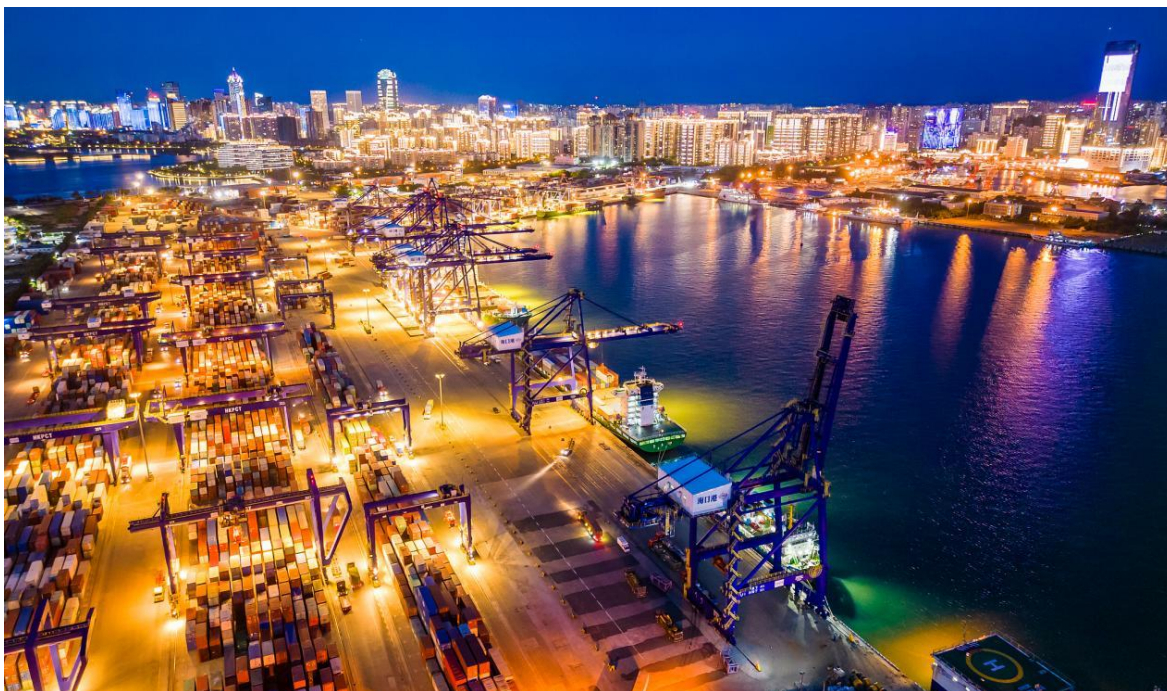
در آغاز این دیدار که در حاشیه برگزاری سومین مجمع اندیشکده‌های ایران و چین در تهران انجام شد، نایب رئیس موسسه روابط خارجی خلق چین، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه فودان، مسئول مطالعات خاورمیانه در موسسه شانگهای جیائو جیاوی درباره ارتقای سطح همکاری‌های دو کشور و رفع موانع موجود سخنرانی کردند.

ایسنا

اقتصاد چین در ۲۰۲۶؛ ثبات، کیفیت و گسترش فرصت‌های همکاری

کنفرانس مرکزی کار اقتصادی چین که به تازگی برگزار شد، «جست‌وجوی پیشرفت در عین حفظ ثبات و ارتقای کیفیت و کارایی» را به عنوان اصل راهنمای کار اقتصادی در سال آینده میلادی تعیین کرد و ایجاد یک بازار داخلی نیرومند، شتاب‌بخشی به پرورش و گسترش محرک‌های جدید رشد و ترویج همکاری‌های برد-برد در حوزه‌های مختلف را در زمره وظایف مهم اقتصادی سال آینده قرار داد.

پرسش این است که اقتصاد چین در سال ۲۰۲۶ چگونه عمل خواهد کرد و این روند چه فرصت‌هایی را برای همکاری میان چین و کشورهای خارجی فراهم می‌کند؟



نخست، چین باید بازار داخلی قدرتمندی ایجاد کرده و تقاضای داخلی را در همه ابعاد گسترش دهد.

چین با جمعیت ۱,۴ میلیارد نفری، در چشم‌انداز اقتصاد جهانی از نظر حجم کل تولید اقتصادی و اندازه بازار مصرف در جایگاه دوم جهان قرار دارد و در عین حال بزرگ‌ترین بازار خرده‌فروشی آنلاین و دومین بازار بزرگ واردات در سطح جهانی به شمار می‌رود. در چنین ابراقتصادی، نیازهای شهروندان و بنگاه‌ها چندلایه و به شدت متنوع است.



در برنامه اقتصادی سال ۲۰۲۶، نقاط رشد تازه‌ای برای تقاضای داخلی دیده می‌شود؛ از نیازهای اساسی سالمندان و کودکان، از جمله خدمات پزشکی و مراقبتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون سالمند، تا نیازهای مراقبتی ۳۰ میلیون نوزاد زیر سه سال. در کنار این موارد، تقاضای مردم برای پوشاک، غذا، مسکن و حمل‌ونقل سالم‌تر و باکیفیت‌تر، همچنین آموزش، خدمات بهداشتی و حتی محصولات نوآورانه در سراسر چرخه زندگی، دامنه گسترده‌ای از فرصت‌های جدید را ایجاد می‌کند.

آمارها نشان می‌دهد که طی چهار سال گذشته، تقاضای داخلی به‌طور میانگین ۸۶٫۴ درصد از رشد اقتصادی چین را به خود اختصاص داده است. از منظر بین‌المللی، برخی کشورها به‌طور مکرر از تحریم‌های تجاری و تعرفه‌ها برای محدود کردن توسعه دیگران استفاده می‌کنند، از این‌رو برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت برای چین اهمیت ویژه‌ای دارد.

شی جین‌پینگ، رهبر چین، پیش‌تر بازار چین را چنین توصیف کرده است: «نوسازی به سبک چینی، معیشت مردم را در اولویت قرار می‌دهد» و «مزیت یک اقتصاد بزرگ در گردش داخلی آن نهفته است». ایجاد یک بازار داخلی قوی در چین بر استعداد انسانی گسترده، بازار بسیار بزرگ و نظام و توانمندی‌های تولید صنعتی در سطح جهانی تکیه دارد. این عوامل، منبع اصلی تاب‌آوری و پویایی اقتصاد چین به شمار می‌روند و با پشتیبانی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات جدید، نقش مؤثرتر و سریع‌تری ایفا خواهند کرد.

دوم، چین در سال ۲۰۲۶ روند پرورش و گسترش محرک‌های جدید رشد را تسریع می‌کند و هم‌زمان به گسترش گشایش در سطح بالا ادامه می‌دهد؛ روندی که فرصت‌های تازه‌ای برای همکاری میان چین و کشورهای خارجی در حوزه‌های مختلف فراهم خواهد کرد.



در سال ۲۰۲۶، چین مراکز بین‌المللی نوآوری علمی و فناوری را در پکن، در چارچوب منطقه پکن-تیان‌جین-هه‌بی، در شانگهای در منطقه دلتای رودخانه یانگ‌تسه و در منطقه خلیج بزرگ گوانگدونگ-هنگ‌کنگ-ماکائو ایجاد خواهد کرد. این سه منطقه، از شمال تا جنوب، کانون‌های اصلی رشد اقتصادی و نوآوری چین محسوب می‌شوند. از ژانویه تا نوامبر سال جاری، درآمد فروش صنایع فناوری پیشرفته چین نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴,۷ درصد افزایش یافته و درآمد فروش صنعت تولید تجهیزات هوشمند نیز رشد ۲۸,۲ درصدی را ثبت کرده است. فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش فناوری پیشرفته همچنان مسیر رشد سریعی را دنبال می‌کنند.

در حوزه گشایش، چین به‌طور پیوسته گشایش نهادی را پیش می‌برد، گشایش مستقل و منظم بخش خدمات را گسترش می‌دهد، چیدمان و دامنه مناطق آزاد تجاری را بهینه می‌کند و با ثبات ساخت بندر آزاد تجاری‌های‌نان را پیش می‌برد. بندر آزاد تجاری‌های‌نان که به‌تازگی روند تعطیلی کامل گمرک جزیره را آغاز کرده است، فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های پیشرفته از سراسر جهان را جذب خواهد کرد و بستری برای ورود محصولات کشاورزی و صنعتی خارجی به بازار چین فراهم می‌آورد. افزون بر این، چین توسعه یکپارچه تجارت و سرمایه‌گذاری و نیز همگرایی تجارت داخلی و خارجی را ترویج می‌کند، از صادرات خدمات حمایت خواهد کرد، به‌طور فعال تجارت دیجیتال و تجارت سبز را گسترش می‌دهد، توسعه کیفی ابتکار کمربند و جاده را پیش می‌برد و امضای توافق‌نامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و دوجانبه بیشتری را دنبال خواهد کرد.

سوم، اولویت دادن به معیشت مردم، ترویج ادغام شهر و روستا، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و پیشبرد تحول سبز فراگیر، از دیگر وظایف مهم توسعه اقتصادی چین در سال ۲۰۲۶ و سال‌های پس از آن به شمار می‌رود.



در سال ۲۰۲۵، لیگ فوتبال استانی برگزار شده در استان جیانگسو، در شرق چین، به‌طور میانگین ۲۸ هزار و ۶۰۰ تماشاگر را در هر مسابقه جذب کرد و ۲,۲۲ میلیارد بیننده آنلاین داشت. هر بلیت ۱ یوانی به‌طور متوسط ۷,۳ یوان هزینه‌های مرتبط ایجاد کرد که نمونه‌ای از ظرفیت‌های اقتصاد مصرف‌محور در مناطق مختلف کشور است.

چین در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت خود برای سال آتی میلادی و پس از آن، توسعه «اقتصادهای سطح شهرستان» را در اولویت قرار داده است. این مناطق با جمعیت ۷۴۰ میلیون نفری، بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور و نزدیک به ۴۰ درصد تولید اقتصادی ملی را در بر می‌گیرند. با افزایش درآمدها، این مناطق فرصت‌های تجاری گسترده و متنوعی را پیش روی فعالان اقتصادی قرار می‌دهند.

میانگین نرخ رشد اقتصادی سالانه چین تقریباً از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴، دو برابر میانگین جهانی بوده است؛ موضوعی که اطمینان و ثبات ارزشمندی را به اقتصاد جهانی تزریق کرده است. آنچه توجه جهان را جلب کرده، انعطاف‌پذیری، پویایی پایدار و فرصت‌های تازه و گسترده‌ای است که اقتصاد چین حتی در شرایط فشارهای گوناگون از خود نشان داده است. از این رو، اقتصاد چین همچنان شایسته توجه و انتظار مثبت جامعه جهانی باقی می‌ماند.

رشد پایدار صنعت ماشین‌آلات چین طی چهاردهمین برنامه پنج‌ساله



بر اساس داده‌های منتشرشده توسط فدراسیون صنعت ماشین‌آلات چین در روز دوشنبه ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر)، صنعت ماشین‌آلات این کشور طی دوره چهاردهمین برنامه پنج‌ساله (۲۰۲۱-۲۰۲۵) در حوزه‌هایی مانند مقیاس صنعتی، تجارت خارجی و نوآوری به دستاوردهایی قابل توجه رسیده است.

تعداد شرکت‌های ماشین‌آلات بالاتر از اندازه تعیین‌شده، از ۹۲ هزار شرکت در پایان سال ۲۰۲۰ به ۱۳۷ هزار شرکت تا پایان اکتبر ۲۰۲۵ افزایش یافته است.

از نظر مقیاس صنعتی، ارزش افزوده این بخش از سال ۲۰۲۱ تاکنون با میانگین نرخ رشد سالانه ۷,۱ درصد افزایش داشته است. از ژانویه تا اکتبر سال جاری، حجم کل تجارت خارجی کالاهای ماشین‌آلات به ۱,۰۳ تریلیون دلار آمریکا رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷,۶ درصد رشد نشان می‌دهد و پیش‌بینی می‌شود ارزش سالانه واردات و صادرات به بالاترین سطح خود برسد.

این صنعت با تکیه بر خوشه‌های صنعتی در حال رشد، اکنون ۱۳ شرکت دارد که در فهرست ۵۰ تولیدکننده برتر ماشین‌آلات ساختمانی جهان قرار گرفته‌اند.

شو نیان‌شا، رئیس فدراسیون صنعت ماشین‌آلات چین، با اشاره به برنامه پنج‌ساله آینده اعلام کرد این صنعت بر تقویت انعطاف‌پذیری و امنیت زنجیره‌های صنعتی و تأمین، تسریع توسعه نیروهای مولد جدید کیفی و پیشبرد تحول هوشمند، سبز و یکپارچه تمرکز خواهد داشت.



پکن، ۱۵ دسامبر (شین‌هوا) -- وزارت بازرگانی چین و پنج وزارتخانه دولتی دیگر، طرحی عملیاتی را برای ارتقای توسعه باکیفیت صنعت برون‌سپاری خدمات منتشر کرده‌اند.

طبق این طرح، تعدادی از شرکت‌های پیشرو در زمینه برون‌سپاری خدمات با رقابت‌پذیری بین‌المللی و گروهی از خوشه‌های برون‌سپاری خدمات با قابلیت‌های نوآوری قوی و ویژگی‌های متمایز تا سال ۲۰۳۰ می‌بایست ایجاد شوند، تعداد افراد شاغل در این بخش به طور قابل توجهی افزایش و دیجیتالی شدن، درجه هوشمندی و سبز بودن برون‌سپاری خدمات باید ارتقا یابد.

طبق این طرح، در مجموع ۱۳ وظیفه کلیدی، از جمله حمایت از توسعه باکیفیت شهرهای نمونه برون‌سپاری خدمات، ایجاد خوشه‌های صنعتی تجارت دیجیتالی و تقویت پرورش استعداد‌های برون‌سپاری خدمات انجام خواهد شد.

People's Daily